

# راجع بسرقت

## (تکرار سرقت)

(بقیه از شماره ۶)

تکرار بمعنای تجدید عمل سابق است يك مرتبه یا چندین مرتبه و در اصطلاح علمای قانین حالت شخصی است که مرتکب جرمی در خلال مدت معینی شده درحالتی که برای ارتکاب جرم بحکم لازم الاجراء سابقاً محکوم شده باشد (رجوع شود بماره ۲۴ و ۲۵ اصلاح شده درخرداد ۱۳۱۰).

کلیه قوانین قدیماً و جدیداً تکرار را موجب تشدید مجازات مقرر داشته و در صورت تجدید در مرتبه ثانیه عقوبت را شدیدتر کرده و همچنین قوانین امروزه تکرار را مشدد دانسته و اختلاف از جهت شرط وحدت نوع جرم و منشاء است.

اما علماء حقوق از نظر حقوقی در تأثیر تکرار در تشدید مجازات اختلاف دارند . برخی بر آنند که فرقی بین محکومیت حقوقی و جزائی نیست . همان قسمی که محکومیت سابق حقوقی پس از اجراء مؤثر در عمل لاحق نمیشود در امور جزائی هم نباید مؤثر باشد مثلاً اگر کسی بحکم محکمه دین خود را تأدیه نمود بری الذمه میشود و چنانچه از جهت دین دیگری در مقابل محکوم له سابق یا دیگری محکوم گردد نمیتوان محکومیت سابق او را تأثیری در حکم ثانی داد و مانند او است محکومیت از جهت ارتکاب جرم بیه پس از اجرای مجازات در باره او حق جامعه استیفاء گردیده است .

بعضی بر خلاف نظریه فوق بین محکومیت های جزائی و حقوقی فرقی گذارده بدین استدلال که منظور از مجازات اصلاح و تهذیب و تصفیة مجرم است و با تکرار جرم

معلوم میشود آن مقدار مجازاتی که در مورد او اجراء شده تأمین آن منظور را ننموده و لذا برای نیل بمقصود باید تشدید کرد تا مجرم بهتر اصلاح شود .

فرقه ثالث قائل بتفصیل شده در صورت وحدت جرم از حیث وصف تکرار را مؤثر دانسته اند و الا فلا .

مثلاً اگر کسی مرتکب سرقت شد و مجدداً مرتکب سرقت

گردید . در این صورت تکرار را عدلاً و انصافاً مقتضی تشدید دانسته ولی اگر جرم اولی از نوع جرم ثانی نباشد مثل آنکه سابقاً برای زنا محکوم شده باشد مؤثر در تشدید مجازات سرقتی که بعداً مرتکب شود نمیدانند .

فرقه چهارم اتحاد منشاء را کافی دانسته و مشابهت عینی را در تشدید لازم نمیدانند و بنابراین جرائم را بسه قسمت ذیل منقسم نمودند .

- ۱- مخالفت یا دولت .
- ۲- تعدی باشخاص .
- ۳- تعدی باموال .

و بنابراین نظریه قتل ، زنا و لواط مشابه یکدیگرند از حیث منشاء از نظر تعدی باشخاص و سرقت ، تزویر خیانت در امانت و کلاه برداری از جهت تعدی باموال (در ماده ۲۵ اصلاح شده سرقت ، اختلاس ، ارتشاء ، کلاه برداری و خیانت در امانت را نظیر یکدیگر دانسته است ) .

اما بمقیده نویسنده وحدت وصف عمل باید حتماً شرط تحقق عنوان تکرار بشود زیرا منظور از مجازات تشفی خاطر نیست بلکه اصلاح مجرم یعنی تعدیل قوای فکریه

مغایر است بتقریبی که ذکر شد. این است بحث عملی در اصل قضیه.

اما آنچه که از مادتين ۲۴ و ۲۵ فوق‌الذکر استفاده میشود فقط وحدت منشاء آنهم در جرائم جنحه موجب تشدیدى علاوه بر تشدیدى که بر اصل تکرار مقرر است منظور داشته زیرا تجاوز از حد اکثر را علاوه نصف در صورت مماثلت جرم ثانى با جرم اول تجویز نموده و بطوری که فوقاً اشاره نمودیم سرقت واختلاس و کلاه بردارى را نظایر یکدیگر دانسته است.

و نیز از جمله شرایط تکرار مذکور در مادتين فوق همانا صدور حکم لازم‌الاجراء است سابقاً و از این قید استفاده میشود که هر گاه قبل از قطعیّت حکم که در مسائل جزائى با برام در دیوان تمیز است مجرم مرتکب جرمی شود تکرار محقق نخواهد شد.

اما در جرائم خلافی باتفاق تمام قوانین امور خلافی موجب تکرار جرم نخواهد شد زیرا تعدی امور خلافی نسبت باموال و نفوس خفیف است و حکایتی هم از سوء سریره ندارد.

در اینجا يك سؤال باقى است که هر گاه جرم اولی عفو شود چه صورتی دارد؟

جواب این سؤال موکول به‌قائه آتیست.

علی حائری شاه باغ

وکیل عمومی تمیز

او است که آن قوا منشاء و موجب تحریک عسلات و ارتکاب اعمال سوء میباشد و چون برای هر يك از انواع اعمال در دماغ هر گزى است که قوت و ضعف او از تکرار آن کشف میشود لذا با وحدت وصف عمل میتوان فهمید که چه عملی منشاء آن در دماغ مجرم قوی است و بایستی بوسیله تشدید مجازات آن منشاء را تضعیف کرد و در غیر این صورت هر گاه بتکرار ترتیب اثر مهم دهیم بر خلاف عدل بوده و بالتلیجه در مجازات مجرمین تبهیض شده است چه بین زنا، خیانت در امانت، ضرب از جهت موجب که همان قوای فکریه است قدر مشترکی نیست بخلاف آنکه هر گاه خیانت در امانت مثلا تکرار شد در این صورت معلوم میشود در دماغ مجرم راجع باین عمل مخصوص کیفیتی موجود است بعکس سایر موارد که قضیه فی واقعه میباشد، در عین حال فرق کلی است بین کسی که اساساً سابقاً پیرامون جرمی نگزیده و محکومیتی ندارد با کسی که محکومیتهای سابقه داشته و میتوان فهمید که تعیین حد اقل و اکثر در مجازات و اینکه اثاب حد اکثر چندین برابر حد اقل است و یا تعلیق مجازات رأساً و همچنین تجویز تنزیل مجازات جنائی تا يك درجه و دو درجه و جنحه تا هشت روز حبس در قوانین برای تأمین همین نظر بوده است که محساکم بتوانند باعتبار اوصاف مجرم و جرم مجازات مجرمین را تخفیف یا تشدید نمایند فقط اشکال در تبدیل مجازات تأدیبی است بترتیبی در اثر محکومیت های سابقه از جهت اموری که جنساً و منشاءً با جرم اخیر

